

## راهکارهای قرآنی تعامل با غیرهم‌اندیشان با هدف جهان‌گستری دین

مهدی سلیمی<sup>۱</sup> - فرزانه روحانی مشهدی<sup>۲</sup>

### چکیده

قرآن در چهارده قرن پیش با گفتمانی جهان‌شمول ظهور کرد و غلبه دین حق را بر همه ادیان وعده داد؛ هرچند هنوز این وعده محقق نشده است. با توجه به حضور گفتمان‌های غیرهم‌اندیش مدّعی جهانی‌سازی در عصر ارتباطات، این مسئله مطرح می‌شود که راهکارهای قرآن برای تحقق وعده خویش چیست. این تحقیق با استقصای آیات قرآنی مرتبط و دسته‌بندی موضوعی و بررسی آن‌ها در کنار مطالعه منابع مرتبط، به راهکارهای تعاملی منسجمی در تعاملات بین‌الملل، به‌ویژه با غیرهم‌اندیشان دست یافته است. قرآن در یک دسته‌بندی کلی سه راهکار تعاملی نرم، نیمه‌نرم و سخت با سه دسته از بیگانگان مسالم، مجادل و محارب ارائه داده است. از جمله راهکارهای نرم، احسان، تمرکز بر گفتمان مشترک با غیرهم‌اندیشان مسالم و دعوت آنان به دین حق است و از راهکارهای نیمه‌نرم، گذشت‌پیشگی، جدال احسن و نفی ولایت غیرهم‌اندیشان مجادل و مواردی دیگر است. همچنین در برابر غیرهم‌اندیشان محارب از راهکارهای سخت‌مقابله به‌مثل، اجتناب از تجاوز، تجهیز به قدرت و غیر آن استفاده می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** راهکارهای قرآنی تعامل، جهان‌گستری دین، ارتباط با غیرهم‌اندیشان.

۱. کارشناس ارشد مرکز العلامة العسکری للدراسات الاسلامیة. mr.salimi@alaskari.org

۲. استادیار پژوهشکده مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم، دانشگاه شهید بهشتی تهران، (نویسنده مسئول). f.rohany.m@gmail.com

## ۱. مقدمه و ادبیات تحقیق

بهترین راهکار گسترش دین از درون‌نگری آغاز می‌شود که شامل فرایند پرورش درون در راستای تعالیم وحیانی و تجسّم این تعالیم در ساحت تمدنی و تحقق تمدن‌الگوی جهانی است. (سلیمی و روحانی، ۱۴۰۰: ۷۸-۵۳) اما جامعه اسلامی با درون‌نگری محض نمی‌تواند دین را جهان‌گستر کند؛ بلکه می‌باید تعامل خود را با دیگر ملت‌ها به‌ویژه غیرهم‌اندیشان به روشی تنظیم کند که دین در فرای مرزها گسترش یابد. مسئله تحقیق حاضر این است که آیا می‌توان از قرآن، راهکارهای تعاملی با غیرهم‌اندیشان استخراج کرد؛ به گونه‌ای که بتوان از آن دستورالعملی در تعاملات بین‌الملل تنظیم کرد که در نتیجه آن دین جهان‌گستر شود. این مهم به استقصای همه آیاتی نیازمند است که به نحوه تعاملات اجتماعی می‌پردازد. از این روروش تحقیق حاضر مطالعه کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع نظری بوده است؛ با جست‌وجوی کلیدواژگان مرتبط با موضوع تحقیق، مانند جهانی‌سازی، ارتباطات جهانی، تعاملات بین‌الملل و... آیات از آغاز تا پایان مصحف شریف استقصا شده و سپس به عنوان داده‌های قرآنی برای راهکارهای تعاملی با غیرهم‌اندیشان در راستای جهان‌گستری دین ثبت و هریک با کلیدواژگان مخصوص دسته‌بندی شده است. همچنین برای فهم درست این داده‌ها، به منابع لغوی و تفسیری و سپس به منابع جنبی نوشته اندیشمندان صاحب‌نظر در حوزه‌های قرآنی رجوع شده و در تکمله مباحث از نظرات این منابع نیز استفاده شده است. بنابراین گام‌های تحقیق حاضر شامل این اولویت‌هاست:

۱. استقصای کل قرآن و ثبت آیات مرتبط با موضوع به عنوان داده‌های قرآنی و دسته‌بندی آن‌ها؛
۲. رجوع به منابع تفسیری و لغوی برای فهم معنای دقیق آیات (داده‌های قرآنی) و تحلیل مفهومی آن‌ها؛
۳. بهره‌مندی از منابع جنبی مرتبط و استفاده از نظر صاحب‌نظران و عرضه آن بر یافته‌های قرآنی برای تکمیل مباحث؛

## ۴. تدوین متن.

در پایان نیز برای تدارک موارد جامانده احتمالی، به پایان نامه خانم عزیزی با عنوان «استخراج روابط و مناسبت های انسانی در قرآن و اصول حاکم بر آن» مراجعه شده است. ایشان با بررسی یکایک آیات و استخراج همه آیات دربردارنده رابطه انسانی و مشخص کردن آن ها براساس طرفین، نوع رابطه و غیره ... نشان داده که در آیات فراوانی به موضوع ارتباطات انسانی پرداخته شده است؛ مانند ارتباط پیامبران با جوامع خود (نوح / ۱-۲)، اهل کتاب با مؤمنان (بقره / ۱۲۰) مؤمنان با یکدیگر (حجرات / ۱۱) و با غیرهم اندیشان (بقره / ۱۰۹) و ... با مطالعه داده های پایان نامه پیش گفته، تحقیق حاضر به دسته بندی های دیگری پی برده است: در دسته ای از آیات، تعاملات توصیف می شود؛ مانند توصیف تعامل اهل کتاب با یکدیگر (بقره / ۱۱۳) و در دسته ای دیگر به تجویز نحوه تعاملات پرداخته می شود؛ مانند توصیه به گذشت پیشگی در تعامل با اهل کتاب. (بقره / ۱۰۹).

با توجه به موضوع تحقیق حاضر، یعنی نحوه تعاملات با غیرهم اندیشان در راستای جهان گستری دین، هرنسبت تعاملی به استثنای مؤمنان با غیرهم اندیشان، هرآیه توصیفی بدون راهکار و هرتجویز غیرمرتبط با جهان گستری دین از حیطه بررسی ها خارج شده و دیگر داده ها مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین متن اولیه تحقیق حاضر با یافته های جدید بازنویسی شده است.

بدیهی است که با همه مردم، به ویژه غیرهم اندیشان نمی توان به روشی یکسان تعامل کرد. با توجه به یافته ها، سه تعامل اساسی با سه دسته کلی از غیرهم اندیشان قابل تعریف است:

۱. تعامل نرم با عموم غیرهم اندیشانی که زیست مسالمت آمیزی با جامعه اسلامی دارند (ممتحنه / ۸) که در این تحقیق «غیرهم اندیشان مسالم» نامیده شده اند؛
۲. تعامل نیمه نرم- نیمه سخت با غیرهم اندیشان جدال گری که برای اختلاف فکری عقیدتی به اخلال، آزار، توهین و جدال ناحق با جامعه اسلامی می پردازند؛ اما این

اقدامات به تجاوز جنگی نمی‌رسد. (مأئده / ۴۱؛ آل عمران: ۱۱۰-۱۱۱، ۱۸۶ و...) که در این تحقیق «غیرهم‌اندیشان مجادل» نامیده شده‌اند؛  
 ۳. تعامل سخت با غیرهم‌اندیشانی که به تجاوز حربی و اقدامات جنگ طلبانه علیه جامعه اسلامی روی می‌آورند (حج / ۳۹) که در این تحقیق «غیرهم‌اندیشان محارب» نامیده شده‌اند.

ملاک این دسته‌بندی، عملکرد غیرهم‌اندیشان و نحوه تعاملی است که قرآن با هریک از آنان ارائه داده است. نکته دیگر اینکه در تحقیق حاضر به عللی به جای «جهانی شدن» و یا «جهان‌شمولی» از اصطلاح «جهان‌گستری» و به جای «ارتباطات جهانی» از «تعاملات جهانی» استفاده شده است:

- «جهانی شدن» معادل مفهوم «Globalization» است که از واژه «Global» یعنی جهانی مشتق شده و در مقابل مفهوم «Local» یعنی محلی قرار می‌گیرد. (FOX, 2001:19) با این تعریف، جهانی شدن یعنی تبدیل پدیده‌ای محلی به پدیده‌ای جهانی، حال آنکه اسلام پدیده‌ای محلی نیست؛ بلکه دینی جهان‌شمول (Universal) است. (مختاری و دهقانی، ۱۳۹۴: ۱۰۵)

- «جهان‌شمولی» به جهانی بودن یا شمول جهانی یک پیام و مخاطبان آن اشاره دارد که جهان‌شمولی قرآن از پیش‌فرض‌های تحقیق حاضر است به دلیل: ۱. عام بودن مخاطبان «یا أَيُّهَا النَّاسُ...»؛ ۲. هدایت برای همه بشریت (یونس / ۱۰۸؛ ۳) وعده غلبه بر همه گفتمان‌ها (برای نمونه بنگرید به یونس / ۱۰۸؛ توبه / ۳۳)؛

- «جهان‌گستری دین» به اشاعه و تلاش برای گستراندن دین جهان‌شمول در گستره جهانی اشاره دارد. بنابراین این تحقیق، جهان‌شمولی مقدمه جهان‌گستری است و جهان‌گستری دربردارنده معنای جهان‌شمولی نیز هست؛

- «ارتباطات» از ماده «ربط» و دارای یک اصل معنایی و آن بست و ثبات است (ابن فارس، ۱۴۰۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲؛ ماده ربط) بنابراین اصل لغوی، ارتباط یعنی ایجاد پیوند همراه با استحکام و ثبات است؛ حال آنکه نمی‌توان با

همه غیرهم‌اندیشان، به‌ویژه محاربین پیوندهای مستحکم برقرار کرد. در تحقیق حاضر علت برگزیده شدن لفظ «تعامل» این است که از عمل مشتق شده و بر مبنای باب مفاعله، بر مشارکت دوطرفه در یک عمل، اعم از نرم یا سخت دلالت دارد.

## ۲. پیشینه بحث

با طرح گفتمان جهانی‌سازی در عرصه جهانی، تحقیقات متعددی با پیش‌فرض‌های خود به نسبت دین با جهانی‌سازی نگریسته‌اند؛ اما هیچ‌یک راهکاری برای تنظیم تعاملات جهانی در راستای جهان‌گستری دین از منظر قرآن ارائه نداده‌اند. دسته‌ای از نویسندگان به انعکاس یافته‌های خود در زمینه جهانی شدن و نسبت آن با دین از منظر تخصص خویش پرداخته‌اند؛ به عنوان نمونه افروغ در کتاب ما و جهانی شدن از منظر فلسفی - جامعه‌شناختی، صدرا در «آسیب‌شناسی جهانی‌سازی با مدل جهانی‌گرایی مهدویت» از منظر علوم سیاسی و رشاد در «فرجام قدسی تاریخ» از منظر فلسفی - کلامی به جهانی‌سازی نگریسته‌اند.

در دسته‌ای دیگر از تحقیقات به تطبیق جهانی‌سازی میان مدرنیته و اسلام پرداخته شده؛ به عنوان نمونه معرفت در «قرآن و جهانی شدن» با اشاره به آیاتی از قرآن به نحوه رویارویی جامعه اسلامی با پدیده جهانی‌سازی غربی پرداخته است (معرفت، ۱۳۸۴) و شیروودی در «جهانی‌سازی، اسلام و آینده بشریت» به دنبال معنای جهانی شدن، تاریخ و قابلیت تحقق آن در اسلام است. (شیروودی، ۱۳۸۳) نکوئی سامانی در «دین و فرایند جهانی شدن»، رهنمایی در «حکومت جهانی واحد: رویارویی جهان‌بینی سکولار با جهان‌بینی توحیدی»، رفیعی موحد در «ایده جهانی‌سازی در قرآن»، تسخیری در «مشکلات جهان اسلام و درمان آن در پرتو جهانی‌سازی»، خنیفرو دیگران در «جهانی شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قرآن و روایات اسلامی» همگی تحقیقاتی از این دست سامان داده‌اند. اگرچه برخی از آنان در این تحقیقاتشان نگاهی به آیات قرآنی داشته‌اند، هیچ‌یک قرآن را محور بحث خود قرار نداده‌اند.

در سومین دسته از تحقیقات، هرچند پژوهشگران به مفهوم جهانی‌سازی از منظر غربی نگاهی انداخته‌اند، محور بحث از منظر اسلام و قرآن بوده است؛ به عنوان نمونه آرام در مقاله خود اصول و مبانی دین اسلام از منظر قرآن را چنین برمی‌شمرد: حاکمیت خداوند متعال، امامت و رهبری، امت واحد، قانون واحد، آرامش و امنیت، عقلانیت، معنویت، عدالت، حیات طیبه و زبان واحد. (آرام، ۱۳۹۰: ۱۰۹) صباغچی در «اسلام جهانی و راه‌های گسترش آن از منظر قرآن» با وجود شباهت عنوان مقاله با تحقیق حاضر، توجه خود را به موضوع جهاد و ارتباط آن با گسترش دین معطوف کرده است. وی با ارائه مجموعه‌ای از آیات مبنایی و نقد برداشت‌های مختلف از آیات جهاد چنین نتیجه گرفته که دین با گسترش خود از راه قتال مخالفت است. او همچنین ماهیت جهاد را «دفاعی» می‌داند. (صباغچی، ۱۳۹۳) این نوشتار ضمن بهره‌مندی از نتایج مقاله یادشده به مباحثی اعم از جهاد (تعامل سخت)، یعنی تعاملات با غیرهم‌اندیشان نیز می‌پردازد. همچنین سلیمی و روحانی در مقاله «نقش بشر در جهان‌گستری دین و راهکارهای قرآنی آن» راهکارهای قرآنی جهان‌گستری دین با رویکرد درون‌نگرانه را ارائه داده‌اند؛ در حالی که در مقاله حاضر با رویکرد برون‌نگرانه و تنظیم تعاملات جهانی به این مقوله نگرسته است. افزون بر این زهرا عزیزی در پایان‌نامه «استخراج روابط و مناسبت‌های انسانی در قرآن و اصول حاکم بر آن» به همه ارتباطات از منظر قرآن پرداخته که از داده‌های آن در تحقیق حاضر استفاده شده است.

همه منابع پیش‌گفته به استثنای دو منبع آخر بر محوریت قرآن نیست و در هیچ کدام به راهکارهای تعاملات جهانی با غیرهم‌اندیشان پرداخته نشده؛ در حالی که بنا بر توصیه پیشوای نخست شریعت محمدی مبنی بر استنطاق قرآن (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۲۲۳) در تحقیق حاضر کوشیده شده است به گونه‌ای تخصصی، قرآن محور بحث و مورد استنطاق قرار بگیرد و راهکارهای تعاملات قرآنی با غیرهم‌اندیشان با هدف جهان‌گستری دین استخراج شود.

### ۳. مبانی قرآنی تعاملات

راهکارهای پیش رو در راستای جهان‌گستری دین است؛ از این رو باید پیش از پرداختن به آن‌ها، مجموعه‌ای از مبانی تعاملی، که با مباحث تحقیق حاضر مرتبط است، از منظر قرآنی تبیین شود.

#### ۳-۱. مبنای اول: گسترش دین بر مبنای دعوت و نه اجبار

براساس قرآن، گسترش دین بر مبنای دعوت است (یوسف / ۱۰۸؛ رعد / ۳۶؛ نحل / ۱۲۵) نه تحمیل و اکراه (یونس / ۹۹؛ بقره / ۲۵۶) و ابلاغ رسالت تمامی پیامبران براساس دعوت بوده است. (برای نمونه بنگرید به: هود / ۲۸؛ دخان / ۲۱) ناسازگاری دین با اکراه پیش از آن که اصلی تشریعی باشد، دارای اصلی تکوینی است؛ زیرا از سویی عقیده را که امری درونی است، نمی‌توان به اکراه اجبار کرد و از سوی دیگر اجبار امری بیرونی است و امور درونی، مثل باورها با انگیزه درونی شکل می‌گیرد و نه با اکراه بیرونی. بنابراین از منظر قرآن اکراه بر عقیده مردود است. (بقره / ۲۵۶؛ صباغچی، ۱۳۹۳: ۷۲) از این رو بهترین و مؤثرترین راه گسترش دین، دعوت عملی است تا از این راه مردم تجسم دین را در الگوهای بشری مشاهده کنند (حمیری، ۱۴۱۳: ۷۷؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۷۸؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۷ / ۲۶۴) در نتیجه، اولویت گسترش دین با دعوت عملی است؛ یعنی الگوی دیگران شدن و پس از آن با دعوت لسانی، آن هم به روشی که قرآن فرموده است: دعوت به روش حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن. (نحل / ۱۲۵).

#### ۳-۲. مبنای دوم: اختیار در رد یا قبول دین

افزون بر اینکه گسترش دین بر مبنای دعوت است، انسان‌ها در استجابات این دعوت آزادند. به بیان دیگر در رد یا قبول دین مختارند. بنابراین مبنای اول و دوم مکمل یکدیگرند؛ یعنی اولین مبنا ناظر به دعوت‌کننده است و دومین مبنا ناظر به استجابات‌کننده. اگر خدا اراده می‌کرد هرکس بر روی زمین است ایمان می‌آورد (یونس / ۹۹) اما اراده خدا بر این قرار گرفته که انسان‌ها با اختیار خود راه درست را برگزینند؛

چنان‌که در ادامهٔ آیهٔ «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» می‌فرماید که راه رشد از راه انحرافی آشکار شده است (بقره/ ۲۵۶) و یا «انسان را به هر دو راه خیر و شر هدایت کردیم. (بلد/ ۱۰) بنابراین شایسته است که انسان‌ها با الزام درونی، دین را بپذیرند نه با الزام بیرونی. خداوند پیام حقیقت و دین حق را برای مردم روشن کرده است؛ ولی انسان‌ها در رد یا قبول آن مختارند (یونس/ ۱۰۸؛ کهف/ ۲۹؛ انسان/ ۳)

### ۳-۳. مبنای سوم: تأکید بر تفکر و نهی از پیروی جاهلانه

از سویی در آیات فراوانی بر تفکر تأکید شده است (بنگرید به: یونس/ ۲۴؛ نحل/ ۴۴؛ حشر/ ۲۱ و ...) و از سوی دیگر ایمان نتیجهٔ پیوند و عقدی است بین قلب و فکر. هنگامی که میان قلب انسانی و فکر او پیوند برقرار شود، آن انسان را معتقد به آن فکر می‌گویند. اگر تفکر مورد اعتقاد انسان، علمی و صحیح باشد، ایمان به آن صحیح و چنانچه باطل باشد، آن ایمان باطل است. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۷۷) در لسان روایات، ایمان در معرفت قلبی یا همان عقیده ریشه دارد که در گفتار و رفتار انسان نمود پیدا می‌کند. (ابن بابویه ۱۳۷۸: ۱/ ۲۲۷-۲۲۸) بنابراین ایمان در معرفت قلبی یا همان عقیده ریشه دارد که در گفتار و رفتار انسان نمود می‌یابد. به عبارت دیگر، ایمان به چیزی، یعنی معرفت همراه با التزام به آن در گفتار و رفتار است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸/ ۲۵۹) برخلاف مسیحیت که ایمان را مقدم بر معرفت و فهم را پاداش ایمان می‌داند (شیرعلی‌اف و قیومی، ۱۳۸۹: ۲۶) در اسلام، معرفت اعم از حصولی و شهودی، زمینهٔ ایمان است و ایمان صحیح بدون جزم و یقین علمی ممکن نیست. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۷۸) سیر تفکر اگر با تشویش ایده‌های باطل محدود نشود، به عقیدهٔ حقیقی می‌رسد (بنگرید به: الصدر، ۱۴۳۵: ۱۱۹-۱۵۳) و عقیدهٔ برحق موجب ایمانی است که مطلوب قرآن است. از این رو قرآن بسیار بر تفکر و تعقل تأکید می‌کند.

### ۳-۴. مبنای چهارم: نفی متقابل تجاوز غیرهم‌اندیشان و جامعهٔ اسلامی

اسلام دینی اصلاح‌گراست و خداوند به مسلمانان اجازهٔ هیچ‌گونه تجاوزی نمی‌دهد.

در قرآن چنین آمده است که اگر غیرهم‌اندیشان از پیکار با جامعهٔ مسلمین کناره گرفتند و پیشنهاد صلح دادند، خداوند اجازهٔ هیچ‌گونه تعرضی به مسلمانان نمی‌دهد. (نساء / ۹۰) از سوی دیگر غیرهم‌اندیشان نیز هیچ حق تسلطی بر جامعهٔ اسلامی ندارند که میان مسلمانان به نفی سبیل شهرت یافته است. (نساء / ۱۴۱) براساس دو آیهٔ ۹۰ و ۱۴۱ سورهٔ نساء جامعهٔ الگوی قرآنی باید سیاست‌های خرد و کلان تعاملی خود با دیگر قدرت‌ها و جوامع را براین مبنا سامان دهد. اگرچه معنای آیهٔ نفی سبیل این است که در قیامت مؤمنان بر کافران غلبه دارند و نه عکس آن، این نفی تسلط می‌تواند اعم از دنیا و آخرت باشد؛ چراکه مؤمنان به اذن الهی تا هنگامی که به لوازم ایمان ملتزم باشند، غالب‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵ / ۱۱۶).

### ۳-۵. اقامهٔ عدالت در همهٔ تعاملات

خداوند در همهٔ شئون به عدالت فرمان می‌دهد (نحل / ۹۰)؛ بنیانی که قوام عالم به آن وابسته است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۳ / ۷۵) و بنابر تعالیم قرآنی، جامعهٔ اسلامی در همهٔ تعاملات، چه با خود چه با غیرهم‌اندیشان، باید عدالت را رعایت کند. (نساء / ۱۳۵؛ مائده / ۸) در آیه‌ای به طور مطلق چنین آمده است: ﴿كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ ... اَعْدِلُوا﴾ (مائده / ۸) که گفته شده در شأن غیرهم‌اندیشانی از یهود یا مشرکان نازل شده (طبری، ۱۴۱۲: ۹۱ / ۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۷۳ / ۸) و عمومیت آن (طوسی، بی‌تا: ۴۶۱ / ۳) شامل غیرهم‌اندیشان مسالم نیز می‌شود. گذشته از این در سورهٔ مائده نیز به رعایت قسط در تعامل با این دسته توصیه شده است (ممتحنه / ۸) که این رفتار موجب جذب آنان به دین و سرانجام جهان‌گستری دین می‌شود. حتی برای غیرهم‌اندیشان مجادل نیز همین گونه؛ طایفه‌ای از یهود بر سر موضوعی اختلاف کردند و پذیرفتند که برای داوری نزد رسول خدا ﷺ بروند. عده‌ای از آنان تبانی کردند که چنانچه رسول خدا ﷺ به نفعشان حکم نداد حکم ایشان را نپذیرند. خدا آیات ۴۱ و ۴۲ سورهٔ مائده را نازل کرد. (قمی، ۱۳۶۳: ۱ / ۱۶۸-۱۶۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵ / ۳۳۸-۳۳۹) در این آیات، خداوند پیامبر خود را به

قبول داوری یا روی‌گردانی از آنان مخیر کرده بود؛ اما چنانچه پیامبر ﷺ داوری را می‌پذیرفتند، باید عدالت را رعایت می‌کردند؛ حتی اگر این غیرهم‌اندیشان، انسان‌هایی دروغ‌پرداز، تحریف‌گر، حرام‌لقمه و ... می‌بودند. (مأئده / ۴۱-۴۲) این دو آیه می‌آموزد که در مواجهه با مخالفان فکری - عقیدتی، روی‌گردانی از غیرهم‌اندیشان ایرادی ندارد؛ چنان‌که در راهکارهایی که خواهد آمد، چنین آمده که قرآن به روی‌گردانی و گذشت پیشگی سفارش کرده است؛ اما اگر در تعامل با آنان داوری صورت بگیرد، باید حتماً عدالت رعایت شود.

مبانی پیش‌گفته زیربنای تعاملات بین‌الملل جامعه اسلامی است که در ادامه به مبحث تعاملات با غیرهم‌اندیشان پرداخته می‌شود.

#### ۴. راهکارهای تعاملی با غیرهم‌اندیشان

در ادامه، راهکارهای تعاملی با غیرهم‌اندیشان بررسی می‌شود:

##### ۴-۱. تعاملات نرم با غیرهم‌اندیشان مسالم

در آیات فراوانی راهکار تعاملی با غیرهم‌اندیشان ارائه شده است. اما از جمله روش‌های تحقیق حاضر در دسته‌بندی راهکارها این است که افزون بر ظاهر آیات به سیاق، شأن نزول و نظر مفسران نیز توجه شده است. ظاهر، سیاق و یا شأن نزول بسیاری از آیات در جدال با غیرهم‌اندیشان ستیزه‌جو مطرح شده که از راهکارهای مربوط به دسته مسالم خارج می‌شود و بدین‌سان راهکارهای تعامل با غیرهم‌اندیشان مسالم به سه راهکار زیر ختم شده است:

الف) احسان: از منظر قرآنی هیچ مانعی در احسان به غیرهم‌اندیشان مسالم نیست: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (ممتحنه / ۸)؛ بلکه به احسان به نحو مطلق سفارش شده است (بقره / ۱۹۵) و این بدان معناست که در تمامی تعاملات میان فردی، گروهی، اجتماعی، دیپلماتیک و ... علاوه بر عدالت، احسان به غیرهم‌اندیشان مسالم نیز در جهان‌گستری

دین بی تأثیر نیست.

ب) تمرکز بر گفتمان مشترک برحق: قرآن می آموزد که در تعامل با غیرهم اندیشان می توان به گفتمان مشترک برحق مثل عبودیت الهی، نفی شرک و نفی ولایت پذیری از طاغوت روی آورد: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ». (آل عمران / ۶۴) اگرچه سیاق این آیه به غیرهم اندیشان مجادل اشاره دارد، از نظر علامه طباطبایی، شامل حال عموم اهل کتاب نیز می شود (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۳ / ۲۶۴)؛ از این رو در این دسته قرار گرفته است. گفتمان مشترک یعنی هر نوع پیام فکری، فرهنگی و تمدنی اعم از تألیف کتاب، تولید کلیپ های مستند و حتی معماری و طراحی تابلوهای هنری و هرچیزی که دارای پیام و گفتمانی باشد. اگر جامعه اسلامی بخواهد تعاملی جهان گسترانه با غیرهم اندیشان داشته باشد، شایسته است با گفتمان روز مشترک، به زبانی که برای عموم مردم جهان قابل فهم باشد، به تعاملات فکری، فرهنگی و تمدنی وارد شود تا غیرهم اندیشان، پیام حق را دریابند و این مقدمه ای بر پذیرش دین باشد.

ج) دعوت جهانی به دین حق: راهکارهای پیشین جملگی مؤثرند؛ ولی جهان گستری دین بدون دعوت جهانی به مقصد نمی رسد. منظور از دعوت جهانی، حرکتی جمعی برای صدور پیام حق در گستره جهانی است و این حرکت از حضرت رسول ﷺ آغاز شده (اعراف / ۱۵۸) و جامعه اسلامی با اقتدا به اسوه خویش (احزاب / ۲۱) در ادامه این مسیر حرکت می کند. طبق تعالیم قرآن این دعوت دارای دو سطح حکمت (تعامل عقلی) و موعظه حسنه (تعامل قلبی) و چنانچه هر دو کارساز نشد، جدال احسن است (نحل / ۱۲۵) که در بخش بعدی مطرح می شود.

#### ۴-۲. تعاملات نیمه نرم- نیمه سخت با غیرهم اندیشان مجادل

از آنجا که از منظر قرآن آینده بشریت توسط صالحان رهبری خواهد شد (انبیاء / ۱۰۵)، جامعه اسلامی باید تمدن سازی و حرکت تاریخی خود را به سوی رهبری جهانی جهت

بدهد تا اصلاح‌گرایی و رهایی از همهٔ بندها و ستم‌ها را گسترش دهد. مسلماً دسته‌ای این حرکت راهبری اصلاح‌گرایانه را بر نمی‌تابند و به مخالفت و کارشکنی می‌پردازند و دسته‌ای دیگر پا را فراتر گذاشته و به تجاوز حربی روی می‌آورند. در این بخش راهکارهای تعاملی با دستهٔ اول ارائه و راهکارهای تعاملی با دستهٔ دوم در بخش بعدی مطرح می‌شود.

**الف) گذشت پیشگی:** قرآن می‌آموزد که تعامل با غیرهم‌اندیشان مجادل رقابتی نیست که یکی برد دیگری غلبه کند؛ بلکه هدف هدایت است تا قلب‌ها را فتح و به سوی حق مایل کند؛ مثلاً باید سخن زشت را با کلام زیبا، قلب‌های بسته را با قلب باز و عبوسی را با لبخند دفع کرد که با این روش، محتمل است دشمنی‌ها به دوستی‌ها بدل شود. (فصلت / ۳۴؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹؛ ۱۶ / ۱۹۴-۱۹۵) حتی در مواجهه با نیت‌های ناسالم بهتر است گذشت پیشگی کرد (بقره / ۱۰۹) و امکان دارد همین رویه فرصتی را برای شروع تعاملات عقلی و قلبی (حکمت و موعظهٔ حسنه) و نشر دعوت جهانی فراهم آورد.

**ب) تمرکز بر مشترکات برحق:** این راهکار برای غیرهم‌اندیشان مسالم با دلایل ویژهٔ آن مطرح شد. علاوه بر این، آیه‌ای دیگر وجود دارد بر همین نکته تصریح می‌کند؛ اما چون در سیاق جدال با اهل کتاب است (عنکبوت / ۴۶)، در این دسته نیز مطرح شده. این روش در سیرهٔ ائمه علیهم‌السلام نیز جاری بوده است. (طبرسی، ۱۴۰۳؛ ۲ / ۴۱۶-۴۱۸) به طور کلی اگرچه شروع هر نوع تعاملی اعم از مناظره، مذاکره، تفاهم، مجادله و ... با غیرهم‌اندیشان با تکیه بر مشترکات، بسیار مؤثر است، تمرکز صرف بر هر مشترکی بدون ذکر حق موجب وادادگی است؛ چراکه هدف از تعامل فقط یافتن فرصت‌ها و منافع مشترک نیست، بلکه هدف از آن دعوت عملی به دین الهی و جهان‌گستری دین است.

**ج) جدال احسن با غیرهم‌اندیشان:** دعوت غیرهم‌اندیشان مسالم به دین حق، با تعامل عقلی و قلبی (حکمت و موعظهٔ حسنه) مناسب است؛ اما این در تعامل با غیرهم‌اندیشان مجادل کارساز نیست. گاهی برای نشر دین لازم است با مدعیان جدال‌گری که خود را در وضعیت برتر فکری - عقیدتی می‌بینند، به نیکوترین روش ممکن وارد جدال شد. آیات متعددی شیوهٔ جدال احسن را می‌آموزد که پرداختن مفصل به همهٔ

آن‌ها، خارج از موضوع نوشتار حاضر است؛ به عنوان مثال گاهی برای اسکات جدال‌گران می‌توان سؤال‌هایی مطرح کرد تا انحطاط فکری آن‌ها را عیان شود (مائده / ۱۸؛ بقره / ۸۷؛ آل عمران / ۹۹) و البته جامعه اسلامی در این تعاملات جدلی باید موضع خود را صریح بیان کند: «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ». (آل عمران / ۲۰).

د) اجتناب از جنگ طلبی: اسلام دین صلح است و تعالیم آن به پرهیز از جنگ می‌انجامد. وقتی گسترش دین بر مبنای دعوت است نه اجبار (مبنای اول) و مردم، حتی غیرهم‌اندیشان، در رد یا قبول آن مختارند (مبنای دوم) و قرآن این قدر بر انتخاب از روی تفکرتأکید کرده و نه تعصب (مبنای سوم)، پس گسترش دین از راه جنگ طلبی بی‌اساس است. تفوق دین به محتوا و معارف آن است نه به جنگ! آنچه موجب غلبه دین بر دیگر ادیان می‌شود، آشکارسازی منطق قوی آن در قالب دعوت با «حکمت»، «موعظه حسنه» و «جدال احسن» است. (نحل / ۱۲۵؛ صباغچی، ۱۳۹۳: ۷۹) از منظر قرآن در برابر محاربین باید از خود دفاع کرد (بقره / ۱۹۴)؛ ولی زمانی که محاربین از مواضع حربی خود دست کشیدند و پیشنهاد صلح دادند، جامعه اسلامی حق تعرض ندارد (نساء / ۹۰) و باید صلح کند (انفال / ۶۱) یا حتی اگر در حین جنگ، کسی از غیرهم‌اندیشان پناه خواست، باید به او پناه داده شود تا شاید سخن حق را بشنود و بیندیشد. (توبه / ۶) نتیجه اینکه باید در مواجهه با غیرهم‌اندیشان مجادل از اقدامات تنش‌زا و جنگ‌افروزان اجتناب کرد و با دعوت به روش «حکمت»، «موعظه حسنه» و «جدال احسن» دین را در جهان گسترده.

ه) نفی ولایت غیرهم‌اندیشان: جامعه الگوی قرآنی مؤلف است فقط از فرمان‌های الهی یعنی قرآن پیروی کند و نه هر چیز دیگری، به ویژه امیال غیرهم‌اندیشان. آیات متعددی از قبول ولایت آنان نهی می‌کند. (برای نمونه بنگرید به: آل عمران / ۲۸؛ نساء / ۸۹؛ مائده / ۵۷) مراد از قبول ولایت غیرهم‌اندیشان، تقرب و اثرپذیری از آنان در اخلاقیات و سایر شئون زندگی است و اینکه به آن‌ها اجازه داده شود که در این شئون تصرف کنند.

(طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/ ۱۵۱) یکی از انگیزه‌های ولایت‌پذیری غیرهم‌اندیشان عزت‌یابی است (نساء / ۱۳۹)؛ حال آنکه عزّت از علم و قدرت سرچشمه گرفته و از شاخه‌های مُلک است و علم، قدرت و مُلک حقیقی همه از آن خداست (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵/ ۱۱۵)؛ مکارم شیرازی و دیگران، (۱۳۷۱: ۴/ ۱۷۰) و به تصریح قرآن نتیجه ولایت‌پذیری از غیرهم‌اندیشان چیزی جز تسلط آنان بر جامعه اسلامی (نساء / ۱۴۴) و بازگشت عقاید به جاهلیت و کفر و خسران نخواهد بود. (آل عمران / ۱۰۰، ۱۴۹) بنابراین جامعه الگوباید به شدت از اطاعت و قبول ولایت غیرهم‌اندیشان، از محبت و هم‌نشینی گرفته تا در اختیار گذاشتن امور به دست آنان در هر سطحی، اجتناب کند.

و) مرزبندی با غیرهم‌اندیشان: قریش پس از نزول آیات ۷۴ و ۷۵ سوره اسراء به رسول الله ﷺ پیشنهاد دادند که «[بیا توافق کنیم] تو آلهه ما را یک سال عبادت کن و ما الهه تو را یک سال عبادت می‌کنیم. سپس تو یک سال آلهه ما را عبادت کن و ما نیز یک سال الهه تو را عبادت می‌کنیم». خداوند به همین ترتیب سوره کافرون را متناسب با سیاق گفتاری‌شان نازل کرد. (قمی، ۱۳۶۳: ۲/ ۴۴۵-۴۴۶؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۶۱۱) آنان با رسول خدا ﷺ به گونه‌ای وارد مذاکره شدند که به ظاهر خواسته‌های هر دو طرف در نظر گرفته شود؛ اما سوره کافرون حدودمرزها را مشخص کرده و روشن می‌کند که خط‌قرمزهای دین، یعنی مرز جدایی حق از باطل قابل مذاکره نیست. جامعه اسلامی در تعامل با غیرهم‌اندیشان خطوط قرمز را مشخص می‌کند و هیچ‌گاه در مذاکره، معامله، مجادله و ... به بهانه توافق مشترک و ملاحظه خواسته‌های طرف مقابل، ذره‌ای از حدودمرزهای دین الهی خارج نمی‌شود. تعامل براساس مشترکات مؤثر است؛ از این رو حدودمرز حق و باطل باید در نظر گرفته شود.

ز) اجتناب از محرم اسرار گرفتن غیرهم‌اندیشان: با وجود اینکه جامعه مسلمانان اهل صلح است، ساده‌لوح نیست؛ آنان اقدامات غیرمصلحانه غیرهم‌اندیشان، غیر از تجاوزها، را با روش‌های مصلحانه دفع می‌کنند؛ اما هیچ‌گاه به آنان اعتماد کامل نمی‌کنند. برقراری تعاملات محرمانه با قدرت‌ها و جوامع بیگانه، از برنامه‌های جامع گرفته تا پیمان‌نامه‌ها و

قراردادهای مشترک و ... آن هم بدون اطلاع خودی ها، از جامعه اسلامی، نشان از اعتماد کامل به غیرهم اندیشانی است که از هیچ شروفسادی درباره جامعه مسلمانان، مثل تحریم ها، فتنه افروزی ها، کارشکنی ها، ترور شخصیت های برجسته و ... کوتاهی نمی کنند. (آل عمران / ۱۱۸) طبق آموزه های قرآن اگر جامعه اسلامی استقامت بورزد و تقوا داشته باشد؛ به ویژه اینکه آنان را محرم اسرار خود قرار ندهد، حيله ها و نقشه های این غیرهم اندیشان هیچ ضرری به جامعه اسلامی نمی رساند. (آل عمران / ۱۲۰).

ح) نهرا سیدن از غیرهم اندیشان: گاهی مخالفت غیرهم اندیشان مجادل علیه جامعه اسلامی به اقدامات سخت و اذیت کننده می انجامد؛ اما در این مسیر نباید از مخالفت ها و سختگیری غیرهم اندیشان ترسید و از آنان پروا کرد؛ زیرا آن وجودی که شایسته است از مخالفت فرمانش پروا شود، تنها خداست: ﴿الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اَخْشَوْنَ﴾. (مائده / ۳) مراد از هراسی که در آیه آمده، هراس از اقدامات غیرهم اندیشان علیه جامعه مسلمانان است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵ / ۱۷۴-۱۷۵) که شایسته است جامعه مسلمانان تنها از یک مولا پروا کند و او خداست.

راهکارهای پیش گفته برای تعامل با غیرهم اندیشانی است که به مقابله فکری-جدلی با جامعه مسلمانان روی می آورند؛ اما هنگامی که علیه جان و مال جامعه مسلمانان آتش جنگ و فتنه برافروختند، اقدام متقابل نظامی نه تنها مورد تأیید آیات قرآنی، بلکه دفاع در برابر متجاوز یک اصل عقلانی است. در بخش بعدی نحوه تعامل با غیرهم اندیشان محارب را بررسی خواهد شد.

### ۳-۴. تعاملات سخت با غیرهم اندیشان محارب

صلح در لغت نقیض فساد است (ازهری، ۱۴۲۱: ماده صلح) و جنگ متجاوزانه از آن رو که از مصادیق فساد است، مقابل صلح قرار می گیرد. اما هر جنگی تجاوز نیست (مطهری، ۱۳۶۱: ۲۴-۲۵)؛ بلکه جنگ علیه متجاوزان برای اقامه اهداف الهی، مصداق جهاد فی سبیل الله (نساء / ۷۶؛ حسینی خامنه ای، ۱۳۹۸) و در راستای اشاعه صلح است.

به طور کلی مسئله جنگ علیه جامعه اسلامی فقط به اختلاف فکری - عقیدتی و خصومت بینابینی محدود نیست؛ چراکه مؤمنان در پی اقامه اهداف الهی در زمین، مثل صلح، انسانیت، عدالت و ... هستند و نه منافع شخصی یا قومی. بنابراین جنگ علیه چنین جامعه‌ای به معنای جنگ علیه صلح، انسانیت و عدالت است و ذلت از پیروان رسول اکرم ﷺ به دور است. (طبرسی، ۱۴۰۳/۲: ۳۰۰؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۵۸) از این رو قرآن در مقابله با کسانی که علیه مؤمنان آتش جنگ برمی‌افروزند، فرمان‌های ویژه‌ای صادر کرده است که در ادامه بیان می‌شود:

الف) مقابله به مثل با محارب به اندازه تجاوز: کم‌وکیف جنگ باید به اندازه کم‌وکیف تجاوز غیرهم‌اندیشان باشد (توبه / ۳۶) نه بیشتر که موجب تجاوز و نه کمتر که موجب ذلت است. (بقره / ۱۹۴).

ب) اجتناب از تجاوز: غیرهم‌اندیشانی که آتش جنگ برمی‌افروزند، تجاوزکارند؛ از این رو باید تنها با تجاوز مقابله کرد نه اینکه چون غیرهم‌اندیش‌اند، سرزمینشان را فتح، درختانشان را قطع، خانه‌هایشان را ویران و مردمشان را اسیر کرد (مطهری، ۱۳۶۱: ۲۸) و مثل آن‌ها متجاوز شد. تجاوز فقط در برابر ستمگران متجاوز رواست. (بقره / ۱۹۰-۱۹۳) اگر جامعه اسلامی در تعامل سخت با غیرهم‌اندیشان محارب، غیر از این عمل کند، هیچ‌گاه به عنوان الگوی جهانی مطرح نشده و جهان‌گستری دین میسر نخواهد شد.

ج) حفظ خط‌قرمزهای الهی در جنگ: در برابر دشمنی که قصد کشتار دارد اگرچه باید مقابل به مثل کرد، اما این‌گونه نیست که به بهانه جنگ بتوان بی‌پروا دست به هرکاری زد؛ باید خط‌قرمزهای الهی، اجتناب از تجاوز و حتی حفظ حرمت مکان‌ها و زمان‌های مقدس، رعایت شود (بقره / ۲۱۷)؛ به عنوان مثال قرآن جنگ علیه محاربین در مسجدالحرام را نهی کرده (بقره / ۱۹۱) و این نهی به علت حفظ حرمت مسجدالحرام است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲/ ۶۱).

د) اجتناب از برقراری ارتباط با غیرهم‌اندیشان محارب: چنان‌که در مقدمه بیان شد، ارتباط در لغت به معنای ایجاد پیوند همراه با استحکام و ثبات است که از ایجاد چنین چیزی

با محاربین نهی شده است. در منابع مختلف آمده است که شخصی به نام حاطب بن ابی بلتعنه مسلمان شد و به مدینه هجرت کرد؛ اما اهل و عیالش در مکه مانده بودند. اهالی مکه که از لشکرکشی رسول الله ﷺ به مکه می‌ترسیدند، از طریق خانواده حاطب جویای اخبار رسول الله ﷺ شدند. حاطب نامه‌ای به آن‌ها نوشت که رسول الله ﷺ قصد لشکرکشی به مکه دارد و نامه را به دست کنیزی سپرد تا به مکه برساند. با اخبار جبرئیل به رسول اکرم ﷺ و با تدبیر امام علی علیه السلام نامه از کنیز گرفته و به دست رسول خدا ﷺ رسانده شد. حضرت رسول ﷺ حاطب را خواست و نامه را به او نشان داد. او ضمن تأیید گفت: «به خدا قسم نه نفاق کردم و نه چیزی را تغییر دادم. من شهادت می‌دهم که خدایی جز الله نیست و تو رسول برحق او هستی! ولی اهل و عیالم از حسن معاشرت قریش برایم نوشتند و من خواستم به خاطر این حسن معاشرت برایشان تلافی کرده باشم». در این حین آیات ابتدایی سوره ممتحنه نازل شد. (قمی، ۱۳۶۳: ۲/ ۳۶۱-۳۶۲؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۴۷۹-۴۸۰؛ واحدی، ۱۴۱۱: ۴۴۱-۴۴۳، طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/ ۴۰۴-۴۰۵؛ سبحانی، ۱۳۷۹: ۴۳۲-۴۳۳) این رخداد که سبب نزول آیات یادشده بوده، در روایات متعدد وارد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹/ ۲۳۶) و با اختلافاتی جزئی نقل شده است. صرف نظر از مقدار صحت این نقل‌ها پیام نهفته در این گزارش آموزنده است: در حینی که رهبر جامعه اسلامی یعنی رسول خدا ﷺ قصد فتح مکه را داشته‌اند، شخصی به علت رابطه خانوادگی، برای دشمنان خبرچینی و اظهار دوستی می‌کند. ممکن است مانند چنین رخدادی در هر زمانه‌ای برای جامعه اسلامی رخ بدهد و عده‌ای برای منافع شخصی یا حتی حزبی و ... مخفیانه یا آشکارا به ارتباط دوستانه و محبت‌آمیز با غیرهم‌اندیشانی بپردازند که در پیشینه آن‌ها، کینه‌توزی و دشمنی علیه جامعه اسلامی مسجّل است. این ارتباط با دشمنانی که در زبان و عمل، مثل تهدید به حمله نظامی و ایجاد انواع تحریم‌ها، دشمنی‌شان را آشکار می‌کنند، از نگاه قرآنی به شدت نکوهیده و تصریح شده است؛ چراکه اگر دشمنان در توانشان باشد، دست و زبان را برای آسیب رساندن به آحاد جامعه اسلامی دراز می‌کنند. (ممتحنه / ۲).

ه) نشان دادن سرسختی به محاربین: مسلمانان اگرچه انسان‌هایی صلح‌جوی‌اند، در برابر بیگانگان قاطعانه رفتار می‌کنند (فتح / ۲۹)؛ به‌ویژه در زمان جنگ با محاربینی که به جان و مال انسان‌ها تجاوز می‌کنند، خشن برخورد می‌کنند و این فرمان الهی است. (توبه / ۱۲۳) باید در جنگ علیه محاربین سرسختی نشان داد (توبه / ۱۲۳)؛ به‌گونه‌ای که آنان را کشت و اسیرانشان را محکم دربند گرفت تا جنگ بخوابد. (محمد / ۴)

و) اجتناب از صلح ذلت‌بار: گاهی در زمان جنگ، دشمن دست از جنگ می‌کشد و پیشنهاد صلح می‌دهد که به فرمان قرآن باید صلح کرد: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا» (انفال / ۶۱) و در جای دیگری قرآن به پرهیز از درخواست صلح فرمان داده است: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَغْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ». (محمد / ۳۵) سرانجام صلح یا غیرصلح کدام یک ارجحیت دارد؟ پاسخ به عزت دین و جامعه دینی بستگی دارد؛ یعنی آن صلحی پسندیده است که عزت جامعه اسلامی و دین الهی را حفظ کند نه صلحی که موجب ذلت باشد. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۲۱ / ۴۸۹) درآیه اول، آنان پیشنهاد صلح می‌دهند که در این صورت باید صلح را پذیرفت؛ ولی درآیه دوم پیشنهاد صلح از سوی جامعه اسلامی است که منع شده است. به غیرهم‌اندیشانی که بدون منطق پیش می‌روند و تعدی می‌کنند نمی‌توان از راه‌های منطقی، مثل پیشنهاد صلح پاسخ داد؛ مگر اینکه شکست و ذلت را پذیرفت.

ز) جنگ با رهبران متجاوز: با وجود اینکه اسلام دینی صلح‌محور است و در صورت تمایل غیرهم‌اندیشان به صلح باید از جنگ دست کشید (انفال / ۶۱)، گاهی پیمان‌نامه‌هایی، مثل پیمان‌نامه صلح نوشته می‌شود؛ اما اگر دشمنان بعد از عهده‌ی که بستند، نقض پیمان کنند باید با رهبران کفر وارد جنگ شد. (توبه / ۱۲) مصداق رهبران کفر می‌توان هر متجاوز در هر زمانه‌ای، فهم و تفسیر کرد؛ به این معنی که اگر عهده‌ی شکسته شد، غایت باید مبارزه علیه ریشه‌های گمراهی یعنی رهبران و سرکردگان متجاوز باشد و نه سربازان خردی که تابع رهبران‌شان هستند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۷ / ۳۰۸).

ح) اجتناب از غفلت در جنگ: یکی از اصول مسلم تعامل با محاربینی که کمر همت به تجاوز بسته‌اند، اجتناب از غفلت است. به فرمان قرآن باید مراقب دشمنان بود؛ کسانی که کافرند و آرزو دارند مؤمنان از سلاح‌ها و لوازم دفاعی‌شان غافل شوند تا به یکباره بر آنان یورش ببرند. (نساء / ۱۰۲)

ط) تجهیز به قدرت و افزایش اقتدار: اگرچه عامل اصلی غلبه نه کمیت نفرات و تجهیزات است و نه کیفیت آن، بلکه اراده الهی است؛ اما این به معنی بی‌اعتنایی نسبت به تجهیز سپاه اسلام به اقتدار کمی و کیفی نیست. در عین اینکه باید سپاه اسلام را به اسباب، یعنی عده و عده بیشتر و پیشرفته‌تر ارتقا داد، تکیه سپاه اسلام نه به این اسباب، بلکه باید به مسبب‌الاسباب باشد. خدا به تجهیز عده و عده فرمان می‌دهد (انفال / ۶۰) و این فرمان بیشتر برای بازدارندگی از جنگ و تجاوز دشمن است تا تشویق به جنگ و نیز این خود در راستای اصلاح‌گرایی و جهان‌گستری دین است.

تا اینجا آنچه بررسی شد این بود که در تعامل با غیرهم‌اندیشان، زمانی که به جان و مال مسلمانان تعدی کردند، چگونه باید با آن‌ها تقابل کرد و روشن شد که جهاد حربی در اسلام ماهیت دفاعی دارد (مطهری، ۱۳۶۱: ۳۹)؛ اما فراتر از موضوع تقابل با دشمنان، مسئله‌ای در نسبت میان جهاد حربی و جهان‌گستری دین، مطرح است و آن اینکه آیا سپاه اسلام حق دارد که برای جهان‌گستری دین به دیگر سرزمین‌ها لشکر بکشد. این مسئله زمانی تقویت می‌شود که آیه ۷۵ سوره نساء در نظر گرفته شود که علت جنگ را رهایی مستضعفان مظلوم عنوان کرده که در چنگال ستمگران گرفتار مانده‌اند (نساء / ۷۵)؛ حال آنکه ماهیت جهاد دفاع در برابر تجاوز است. در پاسخ باید گفت دایره تجاوز فقط به حمله نظامی به جامعه مسلمانان محدود نیست، بلکه وسیع‌تر از تعدی به مال، جان، سرزمین، استقلال و آزادی انسان‌هاست و دفاع شامل تقابل با همه‌گونه تعدی می‌شود. (مطهری، ۱۳۶۱: ۶۲) اسلام دینی منفعل یا محدود به قومیت و نژادی خاص نیست تا در مرزهای خود محدود بماند یا فقط پاسخ‌گوی حملات خارجی باشد، بلکه برای همه مردم جهان است. پس رسالت جامعه اصلاح‌گرای مسلمانان دفاع از حقوق و

سعادت انسانی است (مطهری، ۱۳۶۱: ۶۳)؛ مردمی که نه برای مسائل شخصی و منافع نژادی- قومیتی، بلکه برای گسترش کارهای پسندیده و شایسته (معروف)، ریشه‌کن کردن زشتی‌ها و پلیدی‌ها (منکرات)، (آل عمران / ۱۱۰) و برای دفاع از حقوق انسانی قیام می‌کنند و درواقع از جمله وظایف جامعه‌الگو (امت وسط) نظارت بر مردم جهان است. (بقره / ۱۴۳؛ سلیمی و روحانی، ۱۴۰۰: ۷۸-۵۳) نظارت یادشده می‌تواند شامل دیده‌بانی برای دفاع از حقوق انسانی جهانیان و دفع تجاوز ستمگران علیه حقوق انسانی باشد.

## ۵. نتیجه‌گیری

(الف) از جمله مبانی تعاملات اجتماعی از منظر قرآن (مرتبط با مقاله حاضر) موارد زیر است:

- گسترش دین بر مبنای دعوت است نه اجبار؛
  - مردم جهان در رد یا قبول دین مختارند؛
  - باید بر تفکرتأکید و از پیروی جاهلانه احتراز کرد؛
  - غیرهم‌اندیشان و مسلمانان، هر دو، هیچ تسلطی بر یکدیگر ندارند؛
  - باید در تعامل با همه کس عدالت را برپا کرد.
- (ب) در تعامل نرم با غیرهم‌اندیشان مسالم می‌باید به آنان احسان و برگفتمان مشترک حق تمرکز کرد و با تعامل عقلی و قلبی (حکمت و موعظهٔ حسنه) آنان را به دین دعوت کرد.
- (ج) در تعامل نیمه‌نرم با غیرهم‌اندیشان مجادل می‌توان تقابل‌های ایزدایی آن‌ها را به شایسته‌ترین روش، مثل گذشت پیشگی، دفع و بر مشترکات برحق با آن‌ها تمرکز کرد و با جدال احسن خود بر تریبنداری شان را به چالش کشید؛ اما باید از جنگ طلبی علیه آنان احتراز جست، از همه مهم‌تر ولایتشان را نفی و از پیروی از آنان اجتناب کرد، مرزبندی‌های فکری- عقیدتی با آنان را مشخص و حفظ کرد، به دیدهٔ محرم اسرار به آنان ننگریست و هرگز از ایشان به هراس نیفتاد.

د) در تعامل سخت با غیرهم‌اندیشان محارب - کسانی که در کارنامه عملی شان، اقدام حربی علیه جامعه اسلامی مسجل است - می‌باید ضمن مقابل‌به‌مثل به همان مقدار تجاوز، از تجاوز اجتناب و خط‌قرمزهای الهی در جنگ را رعایت کرد. جامعه اسلامی باید از برقراری ارتباط با محاربین اجتناب کند، به آنان سرسختی نشان دهد و نباید هیچ‌گاه به آنان پیشنهاد صلح بدهد؛ زیرا آغازگر جنگ‌اند و این موجب ذلت است. همچنین در دفاع از تجاوز محاربین باید بر جنگ علیه رهبران متجاوز تمرکز کرد و تا حد ممکن از غفلت از اقدامات آنان در هر شرایطی اجتناب کرد. افزون بر این جامعه اسلامی باید تا آنجا که ممکن است، خود را به قدرت مجهز کند تا با القای ترس در دل محاربین، آنان را از تجاوز بازدارد.

## منابع

۱. القرآن الکریم.
۲. آرام، محمدرضا، «قرآن، جهانی‌سازی و جهانی شدن»، *سراج منیر*، ش ۵، زمستان ۱۳۹۰ ش.
- ص ۶۷-۱۱۴.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، مصحح مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، مصحح علی اکبر غفراری، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، محقق عبد السلام محمد هارون، مکتب الإعلام الإسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۷. ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
۸. الصدر، سید محمد باقر، *المدرسة القرآنیة*، دار الصدر (مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر)، قم، ۱۴۳۵ ق.
۹. افروغ، عماد، *ما و جهانی شدن*، سورۀ مهر، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. تسخیری، محمد علی، «مشکلات جهان اسلام و درمان آن در پرتو جهانی‌سازی»، *اندیشه تقریب*، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۸۸ ش.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، معرفت‌شناسی در قرآن، مرکز نشر اسراء،

۱۲. قم، ۱۳۷۸ ش.
  ۱۲. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، «بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی»، در سالروز مبعث پیامبر اکرم ﷺ، فروردین ۱۳۹۸، farsi.khamenei.ir.
  ۱۳. خنیفر، حسین و دیگران، «جهانی شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات اسلامی» مشرق موعود، شماره ۱۶، ۱۳۸۹ ش.
  ۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار القلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
  ۱۵. رشاد، علی اکبر، «فرجام قدسی تاریخ»، قبسات ۳۳، پاییز ۱۳۸۳ ش.
  ۱۶. رفیعی موحّد، مهدی، «ایده جهانی سازی در قرآن»، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۹ ش.
  ۱۷. رهنمائی، سید احمد، حکومت جهانی واحد: رویارویی جهان‌بینی سکولار با جهان‌بینی توحیدی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ﷺ، قم، ۱۳۹۵ ش.
  ۱۸. سبحانی، جعفر، فزاهایی از تاریخ پیامبر اسلام، مشعر، تهران، ۱۳۷۹ ش.
  ۱۹. سلیمی، مهدی و فرزانه روحانی، «نقش بشر در جهان‌گستری دین و راهکارهای قرآنی آن»، مشکوة، شماره ۱۵۱، تابستان ۱۴۰۰ ش.
  ۲۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق.
  ۲۱. شیرعلی‌اف، باقرو محمد باقر قیومی، «نگاهی به عقل و ایمان از منظر علامه طباطبایی و قدیس آگوستین»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۸۹ ش.
  ۲۲. شیرودی، مرتضی، «جهانی سازی، اسلام و آینده بشریت»، معرفت، شماره ۷۹، تیر ۱۳۸۳.
  ۲۳. صباغچی، یحیی، «اسلام جهانی و راه‌های گسترش آن از منظر قرآن»، پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۹۳ ش.
  ۲۴. صدرا، علیرضا، «آسیب شناسی جهانی سازی با مدل جهانی‌گرایی مهدویت»، قبسات، شماره ۳۳، ۱۳۸۳ ش.
  ۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ ق.
  ۲۶. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق سید محمد باقر الخرسان، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
  ۲۷. طبرسی، احمد بن علی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تدوین هاشم رسولی و فضل‌الله یزدی طباطبایی، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
  ۲۸. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

۲۹. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح احمد حبیب عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۳۰. عزیزی، زهرا، *استخراج روابط و مناسبت های انسانی در قرآن و اصول حاکم بر آن*، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۴۰۰ ش.
۳۱. فضل الله، محمد حسین، *من وحی القرآن*، دار الملائک، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۳۲. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تصحیح سید طیب موسوی جزائری، دار الکتب قم، ۱۳۶۳ ش.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۳۴. کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۰ ق.
۳۵. مختاری، مریم و عبدالرحیم دهقانی، «تحلیل جنبش های اجتماعی خاورمیانه با تأکید بر مؤلفه های شرق شناسی ادوارد سعید»، *جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش.
۳۶. مطهری، مرتضی، *جهاد*، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی جا، ۱۳۶۱ ش.
۳۷. معرفت، محمد هادی، «قرآن و جهانی شدن»، *گلستان قرآن*، شماره ۲۰۲، فروردین ۱۳۸۴ ش.
۳۸. مکارم شیرازی و دیگران، *تفسیر نمونه*، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۳۹. نکوئی سامانی، مهدی، *دین و قوانین جهانی شدن*، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۶ ش.
۴۰. واحدی، علی بن احمد، *اسباب نزول القرآن*، محقق کمال بسیونی زغلول، دار الکتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، ۱۴۱۱ ق.

41. Fox, Jeremy, *Chomsky and Globalisation (Postmodern Encounters)*, Cambridge, Icon Books, 2001.